

توده گرسنه برای "نان، کار، آزادی" برخاسته است!

[پیام فدایی \(fadaee.org\)](http://fadaee.org)

زمانی که این نشریه برای چاپ آماده می شد، بار دیگر خبر امید بخش انفجار خشم توده های به جان آمده در شهرهای استان های سراسر ایران ( در خبرها از آن بیش از صد شهر نام می برند) علیه ظلم و استبداد رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی همچون صاعقه ای آسمان پر التهاب میهن ما را درنوردید و بارقه های امید به تغییر وضع جهنمی موجود را بر دل تمامی محرومان و ستمدیدگان ایران و منطقه افشاند. افزایش ۳۰۰ درصدی نرخ بنزین، که در چارچوب سلطه نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم و حاکمیت یک اقتصاد انگلی بر کشور ما معنایی جز یک جهش سرسام آور دیگر در روند صعودی گرانی و تورم و بیکاری و در نتیجه چشم انداز سقوط زندگی محنت بار میلیونها تن دیگر از کارگران و زحمتکشان به مرداب فقر و نابودی ندارد، انداختن آتشی دیگر به انبان باروت خشم و نفرت فروخورده توده ها بود و آنها را واداشت تا برغم سلطه اختناق و سرکوب وحشیانه حکومت بار دیگر با مایه گذاردن از جان خود، خیز بلند دیگری برداشته و برای نابودی هیولای جمهوری اسلامی و تحقق شعار نان، کار، آزادی به مصاف با آن بروند.

حکومت ادعا می کند که یورش به سفره محقر گرسنگان به منظور غلبه بر "کسری بودجه" بالایی هاست. اما مگر مردم ما کوچکترین نظارتی بر عواید نجومی دولت و شیوه های مصرف آن در برنامه های حکومت دارند که اکنون باید جبران مآفات کسری آن را بکنند؟ ادعا می کند که با عوایدی که از گران کردن بنزین به دست می آورد به محتاجان یارانه خواهد پرداخت. اما مگر با گران شدن بنزین دیگر کالاها نیز گران نمی شوند، پس این یارانه به چه کار محتاجان می آید. تازه قشر وسیعی از جامعه امروز یا با موتور کالاهائی را جابجا می کنند و یا مسافركشی می کنند و یا در حاشیه شهرها زندگی می کنند و برای کار در شهر مجبورند ماشین سوار بشوند. تأثیرات مخرب گرانی بنزین روی کار زندگی این بخش از "محتاجان" چه می تواند باشد؟

افزایش مرگبار قیمت سوخت به رغم تمامی عوامفریبی های جمهوری اسلامی در توجیه عملی نمودن آن در لحظه حاضر، گام دیگری در چارچوب یک برنامه کلان اقتصادی و سیاست "جراحی اقتصادی" می باشد که از سوی سرمایه داران غارتگر جهانی و نهادهای اقتصادی آنان مثل بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در اقتصاد وابسته و بحران زده ایران طراحی شده است. هدف این سیاست مرگبار هر چه مطلوبتر نمودن شرایط استثمار و غارت نیروی کار و منابع طبیعی موجود در بازار ایران برای سرمایه های غارتگر امپریالیستی و پر تر کردن جیب سرمایه داران حاکم بر ایران می باشد که با لفافه های طمطراقی نظیر "اصلاح" در ساختار اقتصادی و گسترش "بازار آزاد" و تشویق "خصوصی سازی" با ادعای ایجاد "رشد اقتصادی" طراحی شده است. این برنامه اهریمنی که شرایط را برای غارت منابع طبیعی و نیروی کار ارزان توسط سرمایه های امپریالیستی تسهیل می سازد، در همه کشورهای تحت سلطه امپریالیستها نظیر ایران باعث گسترش فقر و فلاکت و بیکاری و گرسنگی و قبر خوابی و فحشاء و غیره گشته تا جایی که توده های فرودست برای سیر کردن شکم خود به زباله گردی روی آورده اند.

اکنون جمهوری اسلامی در شرایطی مجبور به اجرای این طرح گشته است که در شرایط بحرانی غیر قابل انکاری به سر می برد، اوضاعی که برخی مشخصه های آن فشار تحریمهای اعمال شده از طرف آمریکا (در چهارچوب سیاست "ایران هراسی" و در رقابت با امپریالیستهای رقیبش) و عواقب سیاستهای مملکت بر باد ده این رژیم چون صرف ده ها میلیارد دلار به منظور حمایت از سگان زنجیری امپریالیسم در کشورهای منطقه مثل عراق و سوریه و یمن و لبنان، و همچنین دزدی و غارت خزانه کشور از طرف خود دست اندر کاران رژیم می باشد. این واقعیت که خود حاصل وابستگی اقتصاد ایران به امپریالیسم و پیشبرد سیاست های امپریالیستی از طرف این رژیم در منطقه و به طور کلی نتیجه حاکمیت یک رژیم ضد خلقی در ایران می باشد، تأثیرات فاجعه باری را بر زندگی توده ها بر جای گذاشته و شرایط مرگباری را موجد شده که کمر آنها را خم نموده است. شدت این اوضاع بحرانی چنان است که روحانی فریبکار نیز به آن اعتراف نموده و فریاد می زند رژیمش هیچ گاه در چنین وضع وخیمی به لحاظ اقتصادی قرار نداشته و پولی در بساط (البته برای مردم) ندارد. اما، چنین اوضاع غیر قابل تحملی ست که گرسنگان و محرومان را بار دیگر برای دفاع از بقای خود و خانواده های گرسنه شان و برای تغییر سرنوشت و زیر و رو کردن مناسبات ارتجاعی حاکم، به صحنه رزم با حافظان و گزمنان نظام حاکم کشانیده است. به صورتی که زنگنه، وزیر نفت بی شرم ارتجاع حاکم مطرح کرد، رژیم تا حد "تحمل توده ها" گران کردن بنزین را در برنامه خود گذاشته بود ولی ابعاد و شدت قیام خشماگین توده های ما به آنان خیلی زود احتساب غلطشان از "تحمل" و قدرت توده ها را آشکار ساخت.

اکنون و در این روزهای سرنوشت ساز، توده ها یکبار دیگر وارد نبرد مرگ و زندگی با دشمنان تا بن دندان مسلحشان شده اند و با فداکاری و از جان گذشتگی با دست خالی و یا با چوب و سنگ به دفاع از شرف و انسانیت و حقوق خود پرداخته اند و با فریاد "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر خامنه ای"، "مرگ بر روحانی"، "مرگ بر اصل ولایت فقیه"، "مرگ بر وطن فروش خائن"، "می میریم، ذلت نمی پذیریم"، "به پا خیز منجی خود تو هستی"، و... ده ها شهر اشغال شده میهنمان را به جبهه های جنگ گرسنگان با غارتگران بدل کرده اند. جوانان عاصی و مبارز در خطوط مقدم این جبهه به مزدوران رژیم یورش می برند، آنها هر جا که توانسته اند در پاسخ به قهر ضد انقلابی گزیده های رژیم، و در پاسخ به زورده عملی های "اصلاح طلب حکومتی" و غیر حکومتی که از قیام کنندگان بیشرمانه می خواهند در مقابل قهر و گلوله و خشونت حیوانی اعمال شده از سوی حکومت، "مسالمت" و آشتی نشان دهند، مراکز سرکوب نظیر کلانتری ها و بسیج، مراکز غارت نظیر بانکها و موسسات مالی و نهادهای نشر ایدئولوژی ضد انقلابی طبقه حاکم مثل دفاتر امام جمعه و مراکز اسلامی را با خاک یکسان کرده و به تلی از خاکستر بدل کرده اند. خروش گرسنگان زمین را بار دیگر در زیر پای حاکمان استثمارگر و سرکوبگر لرزانده و آنها اعتراف می کنند که "عمق" خیزش اخیر حتی از عمق قیامهای مردمی قبلی در سال ۸۸ و ۹۶ بیشتر بوده است. تا جایی که خبرگزاری فارس می نویسد: "گزارش میدانی خبرنگاران ما از سراسر کشور" نشان می دهد که "اشرار و ضد انقلاب" (بخوان توده محرومان به قیام برخاسته) "با گسترده کمتر اما عمق بیشتر خسارات و خرابکاری داشتند" این خبرگزاری حکومتی سپس در توضیح "عمق بیشتر" خیزش مردم به حملات آنها به نهادهای سرکوبگر و به آتش کشیدن ادارات دولتی و بانکها و

حمله به حوزه های علمیه و کلاتری ها و گشودن آتش به سوی مزدوران رژیم در برخی موارد، اشاره می کند. اعترافی که در واقع از عمق و شدت خشم استثمارشوندگان از دژخیمان حاکم و واکنش طبیعی شان در مقابل شدت ظلم و سرکوب رژیم جمهوری اسلامی خبر می دهد.

در روزهای گذشته ده ها تن از توده های بی گناه و جویای حق خویش، به دستور رهبران حکومت مزدور حاکم با آتش گلوله مستقیم دژخیمان رژیم کشته شده اند، تعداد بی شماری مجروح و چند هزار نفر از تظاهر کنندگان خواهان عزت و شرف انسانی توسط ضد خلقیان حاکم دستگیر شده اند - که البته خود ایادی رژیم به دستگیری بیش از ۱۰۰۰ تن اعتراف می کنند.

یاد جانباختگان این قیام مردمی را پاس داریم و فداکاری این توده عظیم به پا خاسته را با تمام توان ارج گذاری کنیم. به جوانان مبارز در صحنه، این پیام مهم مبارزاتی که صحتش در تمام خیزش های سالهای اخیر به طور آشکار ثابت شده را برسانیم که در مقابل یک حکومت تا بن دندان مسلح که کمترین ندای مخالف را بر نمی تابد و تنها زبان زور و گلوله را می فهمد باید به سازماندهی خود پرداخت، متشکل شد و با یک برنامه مناسب و سلاح موثر به نبرد پرداخت. زیر پرچم "تشکل، تسلیح، اتحاد، مبارزه، پیروزی" امکان پیشروی مبارزات دلاورانه کنونی و چشم انداز پیروزی را می توان فراهم نموده و در مقابل توده های به میدان آمده قرار داد. تشکیل هسته های سیاسی-نظامی و دست زدن به عملیات پارتیزانی یا همان چریکی، گام نخستین برای پاسخ به ضرورت شکستن بن بست کنونی و تغییر موازنه به نفع میلیونها تن از استثمار شدگانی ست که با هدف براندازی نظام ضد خلقی حاکم بر خاسته اند. مقابله با زور سازمانیافته حکومت و نیروی سرکوبش در مسیر سازماندهی قدرت و تجهیز نیروی بنیان برافکن توده های متحد تنها راه رهایی کارگران و زحمتکشان ماست.

در خارج از کشور، دفاع از قیام توده های رنجدیده که برای رسیدن به جامعه آزادی که در آن "نان، مسکن و کار و آزادی" برای همگان تضمین شده باشد یک وظیفه مبرم مبارزاتی ست. برخیزیم و در حد توان صدای رزمندگان این قیام و پیام پیکار آنها با اهریمنان حاکم را به گوش جهانیان برسانیم و آنان را در مسیر نابودی اهریمنان حاکم یاری دهیم.

پیام فدایی ۲۴۴، آبان ۱۳۹۸